

”

چگونه  
سریال «افسانه  
جومونگ» برای  
مردم قهرمان  
می‌سازد؟ تاکنون  
پاسخ‌های  
مختلفی از ناحیه  
جامعه‌شناسی،  
مطالعات فرهنگی  
و... به این سؤال  
داده شده است  
که همه این  
جواب‌ها بیرون  
سریال ایستاده  
است نه درون آن

می‌گفتند و باهم قسمت ۸۸ را می‌دیدیم. باورتان می‌شود من تقریباً همه اتفاقات آن قسمت را می‌فهمیدم. کمتر پیش می‌آمد نکته مبهمی برایم پیش بیاید. چرا؟ چون واقعا قصه کل آن سریال ۹۰ قسمتی، همان ۲۰ دقیقه‌ای بود که برای من گفته بودند، بی‌کم‌وکاست.

حالا فکر نکنید فقط در ایران این طور است؛ بروید ۱۰ فیلم برتر مراسم اسکار امسال را ببینید. به احتمال فراوان در اکثر فیلم‌ها وقتی به میانه زمان فیلم می‌رسید خسته می‌شوید و زمان باقیمانده تا پایان فیلم را نگاه می‌کنید! اصلاً همین نگاه کردن به زمان باقیمانده یعنی فاتحه فیلم را از ناحیه قصه داشتن باید بخوانیم. حالا مجدداً جمله ابتدای متن را تکرار می‌کنم: «در میان مؤلفه‌های روایی متعدد سریال جومونگ، آن بخشی که بسیار برجسته و وجه تمایز روایت سریال شده است، «قصه» است. در واقع نه اینکه سریال جومونگ قصه دارد، بلکه همه سریال جومونگ قصه است!» این حجم از قصه‌های متعدد و متنوع در طول یک سریال، اتفاقی کم‌نظر است که در سریال افسانه جومونگ رقم خورده است. به این اتفاقات ویژه در سریال توجه کنید:

«ارباب یونتالبال به بویو آمده تا به خاطر بازگشت قدرت به امپراطور از او کمک بخواهد که با منع شدید رئیس فعلی گپرو مواجه می‌شود. کاروان یونتالبال به اجبار به گپرو برگردانده می‌شوند و پس از تنبیه، یونتالبال زندانی می‌شود. در قصر بویو پس از اینکه جومونگ درخواست امپراطور برای انحلال گروه دامول را رد کرده است؛ بادوکبال وزیر اعظم به خاطر کاهش تنش با امپراطوری هان پیشنهاد کشتن جومونگ را به امپراطور می‌دهد و تأکید می‌کند او نباید از قصر به کوهستان بونگی محل اسکان گروه دامول برود. امپراطور روحیه مبارزه و ایستادگی دوران جوانی در برابر امپراطوری هان را ندارد و تشکیل گروه دامول را امروز علیه خود و قدرتش می‌داند؛ در حالی که خود او روزی پایه‌گذار این گروه بوده است. اصرار مادر جومونگ هم اثری بر نظر امپراطور ندارد و گویا می‌خواهد هر طور شده جومونگ را راضی

سریال جومونگ قصه است! اهمیت این نکته وقتی فهمیده می‌شود که بدانیم، اشکال اصلی غالب فیلم و سریال‌ها ضعف قصه‌گویی است و در دورانی به سر می‌بریم که شاهد فیلمنامه‌های عرضی هستیم نه طولی! فیلمنامه عرضی یعنی چه؟ یعنی پس از دقایق ابتدایی فیلم که آغاز قصه مشخص می‌شود دیگر شاهد اتفاق ویژه‌ای که قصه را پیش برد نیستیم. دائماً توضیحات اضافی و بدون ضرورتی پیش روی ماست که فیلمنامه را در عرض حرکت می‌دهد و همین مسأله، مخاطب را خسته می‌کند. بگذارید با ذکر خاطره‌ای عمق فاجعه را نشان‌تان دهم! در دوران تحصیل و زندگی در خوابگاه دانشجویی فرصت دیدن سریال‌های تلویزیون را نداشتم. وقتی به خانه می‌آمدم خانواده را در حال تماشای سریال مشهور آن روزهای تلویزیون می‌دیدم. حالا در هر دوره‌ای یک سریالی مشهور و هر شب پخش می‌شد. سریال ۹۰ قسمتی بود و من وقتی می‌رسیدم قسمت ۸۷ بود. از سر کنجکاوای از برادرانم می‌پرسیدم قصه فیلم چیست و تا حالا چه اتفاقاتی افتاده است. حدود ۲۰ دقیقه‌ای شرح ماوقع

